

فوز و صلاح

دکتر سید وحید

لجنه ملی جوانان بهائی ایران

سنه ۱۲۴ بدیع

فوس صعود و نزول

چون در تاریخ ملل و اقوام تفحص و تفرس شود
ملاحظه میگردد که در مراحل اخلاق و مدنیت حقیقیه
که فضائل انسانی است برای هر قومی قوسهای صعود
و نزول موجود و مشهود بطوری که وقتی ملتی در اوج
تعالی و ترقی سیر نموده افراد آن به حسن اخلاق و
پاکی طینت و نیکوئی سیرت مشهور بوده اند ولی پس
از چند قرن چنان تدنی و انحطاط یافته که جمیع
فضائل به زائل مبدل گشته است و کمالات مفقود
و نقایص روز افزون شده است چنانچه اگر افراد
آن قوم را با اجدادشان قیاس کنی شباهتی در میان
نبینی گوئی بهار فضائل به زمستان زائل مبدل

گشته و طراوت اخلاق از میان رفته . خشونت صفات جایگزین آن شده است . محققین به این نتیجه رسیده اند که هر وقت و زمان که مظهری از مظاهر الهی و مربی از مربیان آسمانی عالم انسانی را بنور تعالیم خود روشن نموده است انوار اخلاق حسنه جهان دل و جان افراد انسانی را روشن و منیر و تابناک نموده و چون زمانی چند و قرونی عدیده از آن شریعت الهی میگذرد و خلق تعالیم و احکام آن مظهر ظهور را فراموش نموده از فیض اجرای آن اوامر محروم شده اند ظلمت فساد و تباهی صفحه قلوب را تارک نموده است و نظام اجتماع مختل شده ظلم و طغیان و گناه و عصیان رواج یافته اعتماد از بین رفته فریاد عدل و انصاف بلند شده است .

حضرت عبدالبها " روح ما سواه فداه میفرماید :

" ظلمت احاطه نموده است و خلق و خوی وحشیانه مستولی گردیده عالم بشر جولانگاه وحشیان درنده گردیده و میدان جاهلان نادان نفوس یا گرگ

خونخوارند و یا حیوانی ادراک یا سم قاتلند و یسایا
 گیاه عاطل و باطل مگر اندکی از نفوس که فی الحقیقه
 فی الجمله مقاصد خیریه دارند و در فکر راحت و
 آسایش عالم انسانی هستند اما شما باید در این مورد
 یعنی خدمت به عالم انسانی جانفشانی کنید و سه
 جانفشانی شادمانی و کامرانی نمائید. " (۱)

و نیز میفرماید قوله الاحلی :

" مظاهر مقدسه الهی مرکز انوار حقیقتند و منبع اسرار و
 فیوضات محبت تجلی بر عالم قلوب و افکار نمایند و
 فیض ابدی بر عالم ارواح مبذول فرمایند حیات روحانی
 بخشند و به انوار حقائق و معانی درخشند روشنائی
 عالم افکار از آن مرکز انوار و مطلع اسرار است اگر
 فیض تجلی و تربیت آن نفوس مقدسه نبود عالم نفوس
 و افکار ظلمت اندر ظلمت است و اگر تعالیم صحیحه آن
 مطالع اسرار نبود عالم انسانی جولانگاه اخلاق و اطوار
 حیوانی بود و وجود کل مجازی و حیات حقیقی مفقود

این است که در انجیل میفرماید در بده کلمه بود یعنی سبب حیات کل شد حال ملاحظه نمائید نفوذ آفتاب را در کائنات ارضیه که از قرب و بعد آفتاب و طلوع و غروب چه آثار و نتایج واضح و آشکار گهی خزانست گهی بهار گهی صیف گهی شتا و چون بخط استوا گذرد بهار روح بخش جلوه نماید و چون بسمت رأس رسد فواکه و اثمار بدرجه کمال رسد و حبوب و نباتات نتیجه بخشد و کائنات ارضیه به منتهی درجه نشوو نما فائز گردد و همچنین منظر مقدس ربانی که از آفتاب عالم آفرینش است چون تجلی بر عالم ارواح و افکار و قلوب نماید بهار روحانی آید و حیات جدید رخ بگشاید قوه ربیع بدیع ظاهر گردد و مواهب عجیب مشهود شود چنانچه ملاحظه مینمائید که در ظهور هر یک از مظاهر الهیه در عالم عقول و افکار و ارواح ترقی عجیبی حاصل شد از جمله در این عصر الهی ملاحظه نما که چقدر ترقی در عالم عقول و افکار حاصل گردید و حال بدایت اشراق است

عنقرب ملاحظه شود که این فیوضات جدیده و این تعالیم الهیه این جهان تاریک را نورانی نماید و این اقالیم غمگین را بهشت برین فرماید . ” (۱)

عالم بشری گرفتار امراض اجتماعی و اخلاقی گوناگون شده اصول اخلاقی پایمال هوی و هوس گشته است علما اسیر غرور نفسانی جهلابی علاقه بشعائر دینی جوانان سرگرم شهوات و مست و مسرور سیئات مدنیت کنونی بی بند و باری شایع و بیدینسی رائج تظاهر و تجاهر به فسق و فجور متداول شده است اهل شرق شیفته مدنیت ظاهره و آلوده به سیئات غرب گشته پشت پا به اصول مذهبی خویش زده تحت عنوان روشنفکری خود را بی نیاز از هر قید و بند و آزاد از هر قانون و بی اعتناء بهر نصیحت و پند میدانند در غرب طغیان نسل حاضر عرصه را بر متفکران و مریبان تنگ نموده بدران و مادران متحیر و پریشان و از اداره نسل جوان مایوس و نالانند .

حضرت بهاء الله جل ثنائه میفرماید :

” دیده میشود گیتی را دردهای بیکران فرا گرفته
 و او را بر بستر ناکامی انداخته مردمانی که از بساده
 خود بینی سرمست شده اند پزشک دانا را از او باز
 داشته اند اینست که خود و همه مردمان را گرفتار
 نموده اند نه درد میدانند نه درمان میشناسند راست
 را کز انگاشته اند و دوست را دشمن شمرده اند . ” (۱)

علمای رسوم سرگرم توسعه تقالید و نشر
 اوهام اند و تصور میکنند با این روش خواهند توانست
 نسل جوان را پابند دین نمایند غافل از اینکه اوهام
 هرگز کسی را به حقیقت دلالت ننماید و قلبی رامطمئن
 نمی سازد چه حقیقت در پس پرده مجاز پنهان و نور
 تعالیم الهی در خلف استار اوهام مخفی و خاموش
 مانده با این وضع عده که خرابی اوضاع اجتماع
 بشری را ناظر و متوجه این عصیان و طغیان میباشند
 بیش از پیش از رسوم خشک و تعصبات جاهلانسه

بی زار و متنفر میشوند و راهی جهت نجات نمی یابند
 وقتی با ایشان از دین و لزوم تدین صحبت میشود
 پرخاش میکنند و من باب دفاع نمونه هایی از اعمال
 متظاهرین و ریاکاران بیان و استدلال نموده تقالید
 موجوده را انتقاد کرده آراء مخالفین دین را سند
 قرار میدهند و حال آنکه حقائق ادیان منزّه از این
 اوهام و تقالید بوده و خواهد بود آنچه در دست
 مردم بنام دین و آئین مانده با حقائق آن شرایع
 مقدسه الهیه تفاوت کلی دارد .

حضرت عبدالبهاء میفرمایند : *

” ادیان الهیه بجهت محبت بین بشر نازل شده
 به جهت الفت نازل شده به جهت وحدت عالم
 انسانی نازل شده ولی افسوس که صاحبان ادیان
 نور را به ظلمت مخلوط کرده اند . . . یا اسفا که بعد
 از آن تقالیدی در میان آمد و آن تقالید سبب اختلاف
 شد زیرا این تقالید حقیقت نبود اوهام بود بکلی
 مخالف شریعت . . . و بر ضد تعالیم و نوامیس الهی

و چون مخالف بود سبب نزاع و جدال گشت درحالی که ادیان باید با یکدیگر نهایت الفت داشته باشند نهایت اختلاف را پیدا کردند عوض آنکه دلجوئی از همدیگر نمایند به قتال برخاسته اند . . . اگر نظر به حقیقت آنها کنید شب و روز گریه نمائید زیرا امرالله را که اساس محبت است اسباب مخالفت کرده اند زیرا شریعت الله مانند علاج است اگر در محل خود صرف شود سبب شفا است و لکن یا اسفا که این علاج ها در دست طبیب غیر حاذق بود علاجی که سبب شفا گردد سبب مرض شد عوض آنکه سبب حیات باشد سبب ممات شد عوض آنکه سبب نورانیت شود سبب ظلمانیت شد زیرا این علاج ها در دست طبیب غیر حاذق افتاد و طبیب غیر حاذق حیات نبخشد و از علاجش ثمری حاصل نگردد بلکه سبب ممات شود . " (۱)

” . . . مقصود این است که باید به موجب تعالیم
 الهی عمل نمود در جمیع ادیان الهیه در بدایت
 عقل بودن قول مثلا در ایام حضرت مسیح حواریین
 بموجب تعالیم الهی عمل میکردند این بود که ترقی
 کردند از حنیض ذلت باوج عزت رسیدند و از ظلمات
 اوهام بنور هدایت مهتدی شدند همیشه چنین بوده
 ولی چون آن ایام میگذرد بتدریج تغییر مینماید کم کم
 عمل کم میشود و قول زیاد میگردد تا بدرجه میرسد
 که عمل نمی ماند تمام صرف قول میشود این است
 که در قرون وسطی امرالله بدرجه رسیده بود که از
 تعالیم مسیحی اثری باقی نمانده بود امراء و ملوک
 مسیحی جمیعا بهم افتادند حرب دائمی بود ملاحظه
 کنید مجلسی که در لاهنای بجهت صلح عمومی تشکیل
 شد چقدر مذاکرات در صلح شد و اقوال چقدر مقبول
 جمیع دول وکیل فرستادند جمیع مذاکرات در این
 مسأله بود که دول و ملل با هم صلح و آشتی نمایند
 جنگ و جدال نماند ترك سلاح شود . ”

حیثیت

ایمان به خدا و تمسک بدین فرد رابه خدا
ترسی تربیت مینماید و چون خدا را در جمیع احوال
و در کلیه شئون و حالات حاضر و ناظر اعمال خویش
میداند از ارتکاب منافی و اعمال ناپسند خودداری -
میکند در فرد مؤمن این صفت خدا ترسی سبب میشود
که همواره غرائز فردی را فدای مصالح عمومی نماید
و از مشتبهات نفسانیه که حاصل غرائز و تمایلات
شخصیه است احتراز نموده بذیل احکام و اوامر
الهیة که مؤید غرائز نیک اجتماعی است و خیر عمومی
در آنست تمسک و تشبث نماید فرد مؤمن چون
یقین حاصل کرده است که هیچ عملی بدون بساداش
نیست لهذا در حسن اعمال و رفتار خویش میکوشد

و در تطبیق دادن حیات و اعمال روزانه خویش با اصول احکام الهی سعی و مجاهدت نموده تمسرن حاصل میکند وقتی که ما در کلمات مکتونه این بیان مبارک را زیارت میکنیم که میفرماید :

" گمان مبرید که آنچه را مرتکب شدید از نظر محو شده قسم به جمال که در الواح زبر جدی از قلم جلی جمیع اعمال شما ثبت گشته ."

مسلم است که روز و شب مراقب اعمال و گفتار و رفتار خود هستید تا مبادا قدمی بر خلاف اوامر حق برداشته شود و به خسران ابدی منتهی گردد و هر یک از مؤمنین ایمان دارد که ثمر شجر حیات اعمال طیبه و اخلاق مرضیه است لهذا خدا ترسی ما را به این حیات حقیقی فائز میسازد .

جمال قدم جل ذکره الاعظم میفرماید :

" آنچه سبب اول است از برای تربیت خلق خشیق الله بوده طوبی للفائزین ."

تکمیل نفس

چون انسان از اسباب نفسانیه و شہوات و ہواچس
شیطانیه خود را مبری و منزہ نمود بہ تکمیل نفس موفقی
میگردد و الا مقصود از تکمیل نفس تحمل ریاضات و مشقات
و گوشہ گیری و اعتکاف نیست .

حضرت عبد البہاء میفرماید :

” اما تکمیل نفس در این دور منوط بہ ریاضت و خلوت و
عزت نہ بلکہ بہ انقطاع و انجذاب و اشراق رحمانی
و تحصیل معارف ربانی و تحسین اطوار و تزئین قلب
بنفحات رب الاسرار بودہ و خواہد بود آداب و اصول
ریاضت کہ از پیش بود بکلی منسوخ گشت ہذا ہو
الحق و ما بعد الحق الا الضلال المبین . ” (۱)

ایمان و عمل

جمال قدم جل ذكره الاعظم میفرماید :
" رأس الدين هو الاقرار بما نزل من عند الله والاتباع
لما شرع في محكم كتابه ."
که دین را عبارت از ایمان و عمل تعبیر میفرماید یعنی
شخص متدین کسی است که به مظهر ظهور الهی
"مو" من باشد و او امر او را که من عند الله دانسته و
شناخته است و در کتاب الهی مدون و مسطور گشته
پیروی نماید .

در کتاب اقدس میفرماید قوله الاعلی :
" اذا فزتم بهذا المقام الاسنى والافق الاعلی ینبغی
لکل نفس ان یتبع ما امر به من لدی المقصود لانهما

معا لا يقبل احدهما دون الاخر .”

که مفهوم بیان مبارک چنین است وقتی فرد به مقام بلند عرفان و شناسائی مظهر ظهور الهی فائزگشت وظیفه اش پیروی از اوامری است که از جانب حضرت مقصود امر شده زیرا عرفان و اطاعت بهم پیوسته اند و یکی بدون دیگری مقبول درگاه الهی نیست .

فلسفه این امر محکم الهی بسیار روشن است زیرا مریضی که برای درمان بیماری خود تصمیم میگیرد و آرزو دارد هرچه زودتر از رنج و درد خلاص شود و به نعمت صحت و عافیت متنعم گردد ابتدا به جستجوی پزشک دانا می پردازند و چون شناسائی پزشک دانا راه یافت و تحت معاینه او واقع شد او امر و دستورات و یا به اصطلاح نسخه معالجه از او بدست آورد فوراً باید آن نسخه را عمل کند و دستورات را بکار بندد تا شفا حاصل شود ولیکن اگر پزشک جستجو شد ولی دستورات او عمل نگردید بدیهی است شفا حاصل نخواهد شد و همچنین

اگر دستوراتی از پزشکی بدست آورده شود که به علم و احاطه آن پزشک اطمینان نباشد و ایقان حاصل نگشته باشد عمل بدستورات چنین نسخه‌ئی نه تنها سود بخش نیست بلکه بسا که زیان دهد لهذا عرفان بعلم و احاطه پزشک حقیقی همراه و مترادف باعمل و اطاعت بدستورات صادره از قلم او است. این است که حضرت ولی عزیز امرالله روحی لتراب مرقده فداه میفرماید:

” و همچنین معرفت مظهر ظهور اگر نمر و نتیجه اش حسن سلوک و تزکیه اخلاق نباشد از نفوذ و تأثیر محروم و نزد اهل دانش و ارباب بصیرت قابل اعتناء نبوده و نیست چه که این معرفت معرفت حقیقی نه بلکه صرف توهم و تقلید است و همچنین حسن نیت و صفای قلب و راستی و صداقت اگر چنانچه از نور شناسائی حق محجوب ماند و به اقبال به مظهر ظهورش فائز نگردد بالمآل از قوه دافعه تائید و امدادات روح القدس که یگانه دافع هموم و کروب

این عالم ظلمانی است ممنوع و از تأثیر دائمی و نتایج کلیه محروم .”

بیماری که نسخه پزشك را گرفته در طباق نسیان گذارد و عمل نکند هرگز از بیماری نجات نخواهد یافت بلکه حال او بدتر از کسی است که اصلا به پزشك مراجعه نکرده باشد زیرا در آن صورت امکان دارد که وقتی متوجه سو* حال و اختلال مزاج خود گردد و به مراجعه به پزشك حاذق مصمم گردد و دستورات او را عمل نموده شفا یابد اما بعد از مراجعه و عمل نکردن خود را در واقع به مراجعه بی نیاز تصور میکند و روز بروز بر وخامت احوالش میافزاید .

اینست که حضرت عبدالبها* میفرماید :

” یاران الهی باید بموجب وصایا و نصایح نور حقیقت جمال قدم روحی لعته الفداء قیام کنند و یک یک را به موقع اجراء گذارند نه اینکه مجرد بخوانند و مودوع اوراق و الواح گذارند باید اوامر

روحانیه و جسمانیه اسم اعظم روحی لترتبه الفداء در
چیز شهود جلوه نماید و در احوال و اطوار یاران الهی
جسم و مصور گردد والا چه ثمری و چه اثری . ” (۱)
جمال قدم جل زکرة الاعظم در کتاب مستطاب اقدس
عمل به تعالیم الهیه را شرط ایمان بیان میفرمایند
قوله الاحلی :

” زینوا انفسکم بطراز الاعمال والذی فـاز
بالعمل فی رضاه انه من اهل البهاء قدکان لدى
العرش مذکوراً . ”

بنابراین اهل بهاء کسانی هستند که حیات خویش را
بطراز و زینت اعمال حسنه در سبیل رضای محبوب
عالمیان آراسته باشند و عامل گردند .

و نیز قلم اعلی میفرماید :
” اصل کل الخیر هو الاعتماد علی الله والانقیاد
لامره والرضاء لمرضاته . ”

که بنیان هر خیری را اعتماد به خداوند و اطاعت از او امر او و جلب رضای حق بیان میفرماید لهذا هر فرد مؤمن که به خداوند اعتماد نموده و به حقانیت مظهر ظهور او ایمان آورده است وظیفه دارد او امر حق را اعم از اوامر جسمانی و روحانی به موقع اجراء و عمل در آورده فعلا و عملا صحت ایمان خویش را اثبات نماید . چنانچه حضرت بهاء الله میفرماید :

" ای مردمان گفتار را کردار باید چه که

گواه راستی گفتار کردار است و آن بی این تشنگان را سیراب ننماید و کوران را درهای بینائی نگشاید . " (۱)

اگر بیماری نام جمیع دواها را بداند و حتی

خواص آنها را نیز مطلع باشد کافی نیست بلکه

باید دوائی که ملایم طبع و موافق مزاج اوست

به تجویز پزشک تعیین شود و آن را بکار بندد تا

دفع آلام و اسقام شود و الا مجرد دانستن علاج

چه ثمری دارد و چه اثری از آن مشهود شود . مجرد

اقوال اکتفا نکند اگر قول کافی بود تجدید شریعت
لزوم پیدا نمیکرد زیرا در بین اقوام و ملل قول زیاد
بود چون آن اقوال مؤید به اعمال نبود لهذا از سماء
مشیت ربانی شریعت جدید نازل و مائده جدید بر
خلق اعطاء شد .

اصلاح عالم با اعمال طیبه است

جمال قدم جل ذكره الاعظم در لوح دنیا

میفرماید :

" در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید اصلاح عالم از اعمال طیبه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده ناصر امر اعمال است و معینش اخلاق یا اهل بها به تقوی تمسک جوئید هذا ما حکم به المظلوم و اختاره المختار ."

و نیز در همین لوح میفرمایند :

" امروز جنودی که ناصر امرند اعمال و اخلاق

است طوبی لمن تمسک بهما و ویل للمعرضین ."

و همچنین میفرماید :

” کردار نیک گواه راستی گفتار است امید آنکه

اخیار به روشنی کردار گیتی را روشن نمایند . ”
 انسان وقتی بنور هدایت مهتدی گشته و دیده اش به
 فضل حق بینا شد و شجر ایمانش به استقامت تمام
 رشد و نمو نمود و ریشه دواند به اثمار جیده اعمال
 بارور میگردد آن زمان است که معنای حقیقی ایمان
 در وجود انسان ظاهر میشود زیرا هم خود به ثمر
 اعمال حسنه مزین گشته و هم چون چراغی نورانی
 سبب هدایت نفوس سرگشته و سرگردان در بیابان
 غفلت و ضلالت خواهد شد . فی الواقع ایمان بدون
 عمل نه تنها سبب روشنائی و هدایت دیگران نمیتواند
 بود بلکه وجود شخص مؤمن بی عمل نیز از نور محروم
 است . امروز اهل جهان به لفظی معنی توجهی
 ندارند و هیاهو و عریده بیجا خلق را مطمئن نمیسازد
 چه خود در عوالم مادی و احزاب بقدر کافی لفظ
 و قول داشته و دارند و از الفاظ بی معنا و تو خالی
 خسته اند و طالب معنا و حقیقت اند استعداد

هدایت شدن در خلق موجود است ولی احبای الهی که بنور تعالیم حضرت بهاء الله روشن و درخشنده شده اند میتوانند به مدد اعمال طیبه و اخلاق حسنه و صفات بارزه خویش به جهان و جهانیان امید بدهند و سپاه ظلمت و یأس و حرمان بشر را که بر عالم امکان و افکار انسان امروزی چیره و مستولی شده است منهنز نمایند و شکست دهند .

حضرت بهاء الله در کلمات مکتونه به این بیان احلی اهل بهاء را مخاطب ساخته میفرماید قوله الاحلی :

” ای فرزند کیز من لازال هدایت به اقوال بوده و این زمان به افعال گشته یعنی باید جمیع افعال قدسی از هیکل انسانی ظاهر شود چه که در اقوال کل شریکند و لکن افعال باک و مقدس مخصوص دوستان ما است پس بجان سعی نمائید تا بافعال از جمیع ناس ممتاز شوید کذلک انصحناکم فی لوح قدس منیر . ”

در لوح تجلیات میفرماید :

” ایمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر
به تصدیق آنچه از او ظاهر شده و همچنین عمل
به آنچه امر فرموده و در کتاب از قلم اعلی نازل
گشته . ”

و نیز در کلمات مکتونه میفرماید :

” ای پسر خاك براستی میگویم غافلترین
عباد کسی است که در قول مجادله نماید و بر
برادر خود تفوق جوید بگوای برادران به اعمال
خود را بیارائید نه به اقوال . ”

حتی در بیان دیگر ایمان را به کم گفتن
و زیاد عمل کردن مشروط میدانند و میفرمایند اگر
شخصی اقوالش بیش از اعمالش باشد عدم او
بهتر از وجودش است . قوله الاحلی :

” رأس الایمان هو التقلل فی القول والتکثر
فی العمل و من کان اقواله ازید من اعماله فاعلموا
ان عدمه خیر من وجوده . ”

حضرت ولی امر الله روحی لقراب مرقدده

الفداء میفرماید :

" الیوم اساس اعظم و میزان اگمل و اتم و
 فارق بین حق و باطل اخلاق است نه اقوال هر
 حزبی که دارای آن باشد مؤید است و من لدی
 الحق و هر طائفه از آن محروم باطل است و از فضل
 و تأیید الهی ممنوع نام و نشان دلیل و برهان
 اگر مؤید و توأم به حسن روش و سلوک و اخلاق
 طیبه مرضیه نباشد در این عصر مذموم و مطرود
 جهان و جهانیان است و حسن اخلاق کمالات
 و مظاهرش حسن سلوک و رفتار و یگانگی و الفت
 و اتحاد و اتفاق و حسن معاملات در جزئیات و
 کلیات و تعاون و تعاضد مستمری صمیمی و محبت
 و خلوص نیت و صفای قلب و طهارت نفس و صداقت
 و امانت ما به الامتیاز یاران است . " (۱)

خلوص نیت

اعمال پاک و مقدس لایق آستان الهی است
و سبب نصرت امرالله خواهد بود و باید مؤمن
بکوشد تا اعمال از آلودگی ریا مقدس باشد. در کلمات
مکتوبه میفرماید :

” ای پسران آدم کلمه طیبه و اعمال
طاهره مقدسه به سماء عزاحدیه صعود نماید جهد
کنید تا اعمال از غبار ریا و کدورت نفس و هوی پاک
شود و به ساحت عزقبول در آید چه که عترت سبب
صرافان وجود در پیشگاه حضور معبود جز تقوی
خالص نپذیرند و غیر از عمل پاک قبول ننمایند اینست
آفتاب حکمت و معانی که از افق فم هشیته ریائی

اشراق فرمود طویب للقبیلین .

در لوح حکمت میفرماید :

” اجعلوا اقوالکم مقدسه عن الزیغ و الهوی

و اعمالکم منزّهه عن الریب و الریا . ”

که مفهوم بیان مبارک اینست گفتار خود را از هوی

و هوس و اعمال خود را از ریا و تزویر مقدس نمائید

چه اگر اعمال از خلودن نیت سرچشمه نگرفته باشد

و به ریا و تزویر آلوده گردد از تأثیر عاری است و از قوه

نفوذ بی بهره خواهد بود و کسی را هدایت نخواهد

کرد بلکه سبب گمراهی دیگران میشود .

جمال قدم در کلمات مکنونه میفرماید :

” ای بظاھر آراسته و بیباطن کاسته مثل

شما مثل آب تلخ صافی است که کمال لطافت و صفا

از آن در ظاھر مشاهده شود چون بدست صراف

ذائقه احدیه افتد قطره از آن را قبول نفرماید بلی

تجلی آفتاب در تراب و مرآت هر دو موجود ولکن از

فرقدان تا ارض فرق دان بلکه فرق بی منتهی

در میان .”

حضرت ولی امرالله میفرماید :

” باید بهر نحوی که ممکن است قبل از هر چیز قلب را صاف و نیت را خالص نمود و الا اقدام به هیچ امری نتیجه و ثمر نبخشد .” (۱)

از بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء که در سفرنامه اروپا مذکور است میفرماید :

” حسن نیت بجهت اعمال حسنه لازم است تا نیت خیر که بنزله ریشه و اصل است محکم و متین نباشد شجره عمل بار و برگ و نتیجه حاصل ننماید و ثمرات طیبه نبخشد اساس اعظم برای حصول نتایج حسنه اعمال اهل عالم حسن نیت است نیت خیر ریا و نفاق قبول ننماید چه بسا میشود که نفسی عمل خیری مینماید ولی نیتش خالص نه یا برای شهوت است یا بجهت عزت یا

آرزوی غرور و نخوت است یا محض ریا و ریاست این گونه اعمال نتایج باقیه ندارد و سبب فواید عمومیه نگردد عالم انسانی را روشن نکنند و آسایش و سعادت ابدی نبخشند ولو بظاهر اساس متین داشته باشد ولی اگر با حسن نیت و طویت مقرون شود عالم انسانی زنده نماید ناسوت را نمونه ملکوت سازد روی زمین را آئینه بهشت برین کند چون درست ملاحظه نمائی یقین کنی که این قسم نوایای صادق و نیات خالصه از قوه کلمه الله و نفوذ دین الله حاصل گردد و محبت صمیمی و خلوص قلبی و خدمت به عالم انسانی از روحانیت ایمان و عرفان الهی در نفوس بشری ظهور و بروز نماید زیرا قوه روحانیه دیانت است که حاکم بر قلوب و ارواح است محبت الله و خشیه الله است که نافذ در عروق و اعصاب است و حافظ ضمائر و سرائر است به این قوه قدسیه بنی آدم خادم و عاشق یکدیگر شوند و بنیان نظام عالم و اساس آسایش امم محکم و

(۳۱)

مستحکم گردد. " (۱)

اجرای احکام از نظر فروبها

فرد بهائی که از سرچشمه عرفان نوشیده
واز کوثر بیان رحمن سرمست شده است و جام
باقی عبودیت از کف ساقی احدیت گرفته چنان محو
و مدهوش حق است که جز او را معدوم می‌شمارد و
خود و جمیع عالم امکان را چون ذرات در انوار
آفتاب الهی مشهود می‌بیند پروانه وار گرد شمع
احکام و اوامر الهی در پرواز است و از خمر محبت
خداوند بی‌انباز سرمست و به مقتضای پیشرفت عالم
و ترقی معارف بنی آدم امروز اهل جهان نیز عرفان
بیشتری حاصل نموده هر هوشمندی گواهی می‌دهد

که پیشرفت امور اجتماعی و نظام و قوام هیئت جامعه بشری جز در ظل قانون عمومی امکان پذیر نیست و گرنه هرج و مرج احاطه نماید و شیرازه امور از هم گسیخته خواهد شد . لهذا تنها این مسأله باقی میماند که کدام قانون عمومی است که بهتر کافل سعادت بشری باشد و از آنچه در پیش گذشت مدلل شد که بهترین قانون و نظام که ضامن رفاه و آسایش انام است قانون الهی است که به وحی سماوی بر قلب مومنان حضرت بها^۱ الله تجلی شده است و سبب اعظم حیات و نظام عالم انسانی است چنانچه در کتاب اقدس میفرماید :

” ان الذین اوتوا بصائر من الله یسرون حدود الله السبب الاعظم لنظم العالم و حفظ الامم و الذی غفل انه من همج رعا ع ”^۲

که مفهوم بیان مبارک این است نفوسی که صاحب بصیرت ربانی هستند احکام و قوانین الهی را اعظم سبب نظم عالم و حفظ ام مشاهده

نماینند و غافلین از هیچ رعاغ محسوسند .

اتسان عاقل و بصیر برای حفظ نظام اجتماعی شکستن قوانین و غرائز نفسانی را موجب تقویت غرائز و قوانین اجتماعی میدانند لهذا آنچه او را از نفس و هموی دور کند و به برو تقوی هدایت نماید مطلوب او خواهد بود .
در کتاب اقدس میفرماید :

" انا امرناکم بکسر حدودات النفس والهوی

لا ما رقم من القلم الاعلی انه لروح الحیوان لمن فی الامکان . "

بس فرد مؤء من در کسر حدود و قوانین نفس و هموی میکوشد و آنچه از قلم اعلی نازل گشته آن را در کمال دقت اطاعت مینماید زیرا آثار قلم اعلی را سبب حیات عالم امکان میدانند و پیروی از آن را موجب فلاح و نجات خود و جهانیان تشخیص داده و میدهد همانطور که در مقدمه مذکور شد چون اهل جهان نصایح مشفقانه حق را فراموش نمودند و از فیض

بیروی تعالیم الهی محروم ماندند خالق جهان
 برای ارشاد عالمیان شریعتی جدید تأسیس میفرماید
 تا عالمیان بار دیگر زنده شوند و با اجرای اوامر
 و ترک نواهی سبب تصفیه اخلاق خود شوند
 و خلق جدید گردند پس اگر یکی از نفوس مؤمنه
 در شریعت جدید غفلت ورزد و در اجرای احکام
 کوتاهی و تسامح نماید و سهل انگاری کند فی الواقع
 نقض عهد الهی نموده و بیروی روش گذشتگان
 خود که غافل از حق بوده اند نموده است و لهذا
 از صراط مستقیم و منهج قوم خارج شده در بیابان
 گمراهی سائر و سالک خواهد بود . اینست کسه
 میفرماید :

" ان الذین نكثوا عهد الله في اوامره
 ونكصوا على اعقابهم اولئك من اهل الضلال لدى
 الغنى المتعال . " (۱)

در شریعت مقدسه بهائی اجرای احکام
و شعائر دینی از خوف جهنم و یا امید بهشت
نیست بلکه چون هر فرد بهائی خود را عاشق
مظهر کلی الهی میداند لهذا به فدای خواهشهای
نفسانی موفق شده رضای محبوب را بهر هر چیزی
مقدم می‌شمارد و جان و مال خود را فدای این
عشق و حب مینماید و اگر جمیع خزائن ارض را مالک
باشد در سبیل اجرای امری از او امر حضرت
بهاء الله انفاق میکند زیرا به یقین مبین دانسته
و ادراک نموده و مؤمن است به اینکه اجرای قوانین
و سنن الهی سبب میشود که انظار عالمیان
متوجه نور مبین گردد و خلق جهان شیفته تعالیم
الهی شوند که نمونه از آن را در حیات فردی و
اجتماعی مؤمنین به حضرت بهاء الله مشاهده
میکند لهذا این خود بزرگترین نصرتی است که
یک مؤمن بهائی میتواند بشریعت الله نماید که
شریعت الله سبب حیات عالم است پس در زنده

نمودن جهان و جهانیان نقش بزرگی را با ایفای
وظائف روحانی و اجرای احکام و سنن الهی
بازی خواهد کرد .

در کتاب مستطاب اقدس میفرماید :
" لو یجد احد حلاوة البیان الذین ظهرو
من فم مشیة الرحمن لینفق ما عنده و لو یكون خزائن
الارض كلها لیثبت امر من او امره المشرقة من افق
العنایه و اللطاف . قل من حدودی تمر
عرف قمیصی و بها تنصب اعلام النصر علی القنن
والاتلال ."

که مفهوم بیان مبارک به فارسی چنین است :
اگر کسی ذائقه جانش به شیرینی بیان
خداوند رحمن شیرین گردد اگر مالک خزائن روی زمین
هم باشد همه را برای اثبات امری از او امر حق
انفاق مینماید . چه از قوانین و احکام الهی عرف
عرفان حق مرور مینماید و رایات نصرت امر حق
در فراز اتلال بموج خواهد آمد .

و نیز حضرت بهاء الله در کتاب اقدس قوه مجرّمه احکام و شعائر دینی را محبت قرار داده میفرماید :

” قد تکلم لسان قدرتی فی جبّروت عظمتی مخاطبا لبریتی ان اعملوا حدودی جبا لجمالی طوبی لحبیب وجد عرف المحبوب من هذه الکلمة التي فاحت منها نفحات الفضل علی شأن لا توصف بالاذکار . ”

که مفهوم بیان مبارک چنین است :

لسان قدرتم در جبّروت عظمتم خطاب به بندگانم فرمود که احکام و قوانین مرا محض محبت و عشق من عمل کنید خوشا به حال دوستی که از این کلمه بوی خوش محبوب استشمام نمود و نفحات فضل چنان از این کلمه مبارکه وزید که به اذکار توصیف نتوان نمود .

وقتی انسان امری را اطاعت میکند یا از خوف

آمر است یا از رضای جان و وجدان اطاعتی که

از خوف آمر صورت گیرد پایدار نخواهد بود زیرا

هر وقت در صدد است خود را از فرمان آمر رهایی
 دهد و لکن آن اطاعت که به رضا و رغبت باشد
 علی الخصوص حاصل عشق و ایمان باشد با شیر
 در بدن شد و با جان بدر رود لهذا وقتی اطاعت
 او امر الهی همراه با عشق و محبت روحانی باشد
 شکی نیست که با هیچ سهم و سنائی از اجرا
 بازنهی ماند اینست که در کتاب اقدس میفرماید :

" ان الذین وجد عرف الرحمن و عرف
 مطلع هذا البیان انه یستقبل بعینیه السهم
 لاثبات الاحکام بین الانام . "

که مفهوم آیه مبارکه بفارسی چنین است :

هر کس شامش به نفعه طیبه عرفان
 مظهر گشت و مطلع بیان الهی را شناخت باد و دیده
 تیرهای بلا را استقبال میکند تا احکام الهی
 بین خلق اثبات گردد .

این است سر این که بیش از بیست هزار
 نفس مقدس جان خود را در سبیل امر حضرت یزدان

در این دور اعظم فدا نمود و تطمیع و تشویق
و تحبیب احدی از علماء و امرائتوانست آن عاشقان
دلباخته را بکلمه انکار ولو لفظی باشد وادار نماید .
بستند و زدند کشتند و ریز ریز نمودند سوزاندند
ولی موفق نشدند از زبان احدی از ایشان کلمه
انکار جاری سازند .

حال چون زمان آن فدا و شهادت گذشته
و شجره امر به خون آن همه شهیدان سقایه شده
و برسبزه زار شریعت الله هزاران هزار لاله داغدار
از دماء آن مظلومان روئیده دیگر وقت شهادت
و فدای جان نیست بلکه هنگام عمل و استقامت
و مراقبت در اجرای احکام و شعائر است . نسل
امروز بهائی در سراسر جهان باید خود را برای
شهادت عملی آماده کند علی الخصوص جوانان
بهائی باید بعمل ثابت نمایند که از خون آن جانبازان
میادین فدا در عروق ایشان هنوز نباض است و در
جریان و با اجرای شعائر دینی از هر قبیل استقامت

کامل در ابراز مافی الضمیر و عدم گنمان و تقيه که شیوه مردم خائف و ترسو است نه روش مردان خدا بر مردمان ثابت کنند که کلمه الله نافذ است و جز قوه کلیه کلمه الله نمی تواند قبائل و ملل و طوائف و امم مختلفه را در ظل سرا پرده وحدت جمع کند و چنین در اجرای اوامر و احکام و سنن و شعائر شیفته و دلباخته نماید .

امروز دیده مخالفان و انظار دشمنان امر به اعمال و رفتار بهائیان دوخته و متوجه است تا چنانچه کوچکترین تهاونی در اجرای شعائر مشاهده نمایند تیرهای عیب جوئی و انتقاد را چون غیث هاطل به شریعت الله بیارند لهذا اجرای احکام و شعائر هم از جنبه شخصی و فردی که نشانه ایمان کامل و عرفان واقعی است و هم از نظر عمومی که سبب هدایت و توجه و انبیاه دیگران است بر هر فرد از افراد مؤمن جامعه فرض و واجب است و قصور و فتور سبب خسران و زیان و علت دوری اهل

امکان از سرچشمه آب حیوان خواسته بود .

حضرت عبدالبها " روح ما سواه فداه میفرماید :

" اقبال بملکوت الله آسان ولی ثبات

و استقامت مشکل و امتحانات صعب و گران . " (۱)

و برای آنکه دائما یاران الهی به اهمیت

اجرای احکام متذکر باشند محافل مقدسه

روحانیه مأمور شده اند که در ترویج احکام بین

احباء و تشویق و تحریض آنان به اطاعت و خدمت

حکومت دائما مشاوره نمایند و یاران را متذکر

دارند تا مبادا نفسی بغفلت گرفتار شود و در اجرای

این وظائف روحانیه باز ماند .

حضرت عبدالبها " میفرماید :

" ثالث فریضه (فرائض اصحاب شور)

ترویج احکام الهیه در بین احباء از صلاة و صیام

و حج و حقوق و سایر احکام الهیه بالتام و همچنین

دائما تشویق و تحریض کل احباء به موجب نصوص

(۴۳)

قاطعہ الہیہ بر اطاعت و خدمت سریر سلطنت عادلہ
شہریاری و صداقت و امانت در خدمت اعلیٰ حضرت
داد پرور تاجداری و تمکین اولیاء امور حکمرانی . ” (۱)

فهرست مندرجات

۳	قوس صعود و نزول
۱۲	خشية الله
۱۴	تكميل نفس
۱۵	ايمان وعمل
۲۲	اصلاح عالم با اعمال طيبه است
۲۷	خلوص نيت
۳۲	اجراى احكام از نظر فرد بهائى